

## بررسی رابطه میزان مهارت‌های زندگی مادران با عملکرد تحصیلی و کارکرد خانواده در فرزندان پسر بین ۱۲ تا ۱۸ سال

علی لسانی

دکترای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میزان مهارت‌های زندگی مادران با عملکرد تحصیلی و کارکرد خانواده در فرزندان پسر بین ۱۲ تا ۱۸ سال شهر تهران انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش، پس رویدادی (علی - مقایسه‌ای) و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش آموزان پسر شاغل به تحصیل در دوره‌های اول و دوم متوسطه مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و والدین آنها می‌باشند. از جامعه آماری مذکور، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه-ای چند مرحله‌ای منطقه ۸ آموزش و پرورش، و از پنج ناحیه واقع در آن نواحی ۱ و ۴ و از این دو ناحیه ۴ مدرسه دولتی پسرانه و از این مدارس ۶ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شده اند. نمونه پیش‌بینی شده ۲۸۰ نفر بودند که به دلیل افت، نمونه نهایی به ۲۴۰ نفر (۱۲۰ دانش‌آموز پسر و ۱۲۰ مادر) کاهش یافت. ابزار اندازه‌گیری در این مقاله، پرسشنامه مهارت‌های زندگی، پرسشنامه سنجش خانواده و میانگین نمرات دروس دانش‌آموزان می‌باشد. به منظور اجرای آزمون، ابتدا در یکی از ساعت‌های مناسب آموزشی در هر مدرسه درباره هدف پژوهش توضیحاتی به دانش‌آموزان داده شد، سپس دانش‌آموزان به پرسشنامه کارکرد خانواده در مدت زمان ۳۰ دقیقه پاسخ دادند. به سبب عدم همکاری مسئولان مدارس جهت اجرای پرسشنامه مهارت‌های زندگی والدین در مدرسه، این آزمون جداگانه و همراه با توضیحات کامل به والدین دانش‌آموزان ارائه شد و پس از مهلت سه روزه از آنها تحویل گرفته شد. پس به منظور تعیین رابطه متغیرها آزمون همبستگی پیرسون و برای پیش-بینی تغییرات آنها معادله رگرسیون به کار گرفته شده است. در نهایت چنین نتیجه‌گیری شد که؛ بین میزان مهارت‌های زندگی مادران با عملکرد تحصیلی و کارکرد خانواده در فرزندان پسر بین ۱۲ تا ۱۸ سال در شهر تهران رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** میزان مهارت‌های زندگی مادران، عملکرد تحصیلی، کارکرد خانواده.

## ۱- مقدمه

انسان یک نظام زنده و ساختار یافته است که ابتدا در محیط خانواده به موجودی اجتماعی تبدیل می‌شود. خانواده بدون شک مهم‌ترین سازمانی است که زمینه ساز رشد و سعادت جسمی، روحی و اجتماعی فرد است و پدیده اجتماعی شدن فرزندان توسط خانواده به عنوان عاملی مهم در حوزه سلامت شناخته می‌شود. تقویت رفتارها این نظام اجتماعی کامل با ایجاد پیوندهای عاطفی و مراقبتی قوی اعضا را در کنار هم نگه می‌دارد، بطوری که اعضای خانواده کنترل، تایید و عدم توافق را با یکدیگر تمرین کرده و سعی در برقراری و حفظ تعادل در خانواده دارند. وجود چنین سازمانی در خانواده به تحقق اهداف آن و حفظ عملکرد آن به عنوان یک واحد اجتماعی در این بازه زمانی و تحول کمک می‌کند (قمری، ۱۳۹۰). عملکرد خانواده به نحوه تعامل و حفظ روابط اعضای خانواده و نحوه تصمیم‌گیری و حل مشکلات اعضای خانواده اشاره دارد. بی‌توجهی به کارکردهای خانواده نوعی عدم تعادل ایجاد می‌کند و پس از آن خانواده دچار بحران می‌شود. در واقع ریشه بسیاری از آسیب‌ها و معضلات اجتماعی در ارتقای سلامت جامعه به نوعی با عملکرد و عدم سلامت نهاد خانواده ارتباط تنگاتنگی دارد. تعارض شخصیتی، اختلال در رفتار فردی و اجتماعی، جنایت و بزهکاری، افت تحصیلی، فرار از خانه و مدرسه، خشونت، اعتیادهای سنتی و مدرن، خودکشی و طلاق، فساد اخلاقی و رفتارهای ناسالم جنسی، همه ریشه در فرهنگی ناسالم و آشفته دارند (صادقی، شهیدی و خوشابی، ۱۳۹۰). با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های روز افزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، داشتن مهارت‌های زندگی برای افراد به ویژه والدین برای رویارویی موثر با نیازها و چالش‌های زندگی روزمره ضروری به نظر می‌رسد. بسیاری از زوجها به دلیل همدردی نکردن با یکدیگر، نداشتن ارتباط موثر با یکدیگر و قبول نکردن اختلافات، قادر به ادامه زندگی با یکدیگر نیستند. همانطور که نتایج پژوهش نشان می‌دهد برخی از خانواده‌های ایرانی با کاهش فضای عاطفی و سرد شدن روابط انسانی در محیط خانواده مواجه هستند که می‌تواند منجر به اتفاق ناگوار طلاق روانی و عاطفی شود. این خانواده‌ها در صورتی که به نوعی اجبار در کنار هم زندگی کنند، به نظر مشکلی ندارند و در سرشماری حساب می‌شوند (مظاهری، صادقی و حیدری، ۱۳۹۰). بر اساس اعلام رئیس انجمن مددکاری علمی ایران، اکنون در بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد خانواده‌های اطراف خود شاهد طلاق عاطفی هستیم که زن و مردی با هم زندگی می‌کنند اما هیچ احساسی نسبت به هم ندارند. همچنین برآوردهای آماری نشان می‌دهد که ۹۰ درصد از زوج‌های آشفته، ناتوانی در برقراری ارتباط را عامل مهمی در اختلال در روابط خانوادگی خود می‌دانند. همچنین بر اساس تحقیقات سازمان جوانان کشور در سال ۱۳۸۲، بر اساس آمار رسمی مراکز استان-های ایران، نزدیک به نیمی از خانواده‌ها یعنی ۴۲ درصد آنها نمی‌توانند با گفتگوی صمیمانه و آرام مشکلات خود را حل کنند (محسنی، ۱۳۸۹). زندگی اکثر زوج‌هایی که امیدوار به ازدواج هستند موفق و ایده‌آل بودن به دلیل عدم آگاهی از مهارت‌های زندگی منجر به یک رابطه سرد و بی‌رحم می‌شود. این در حالی است که یکی از ویژگی‌های اساسی خانواده که در تعریف کاربردی ذکر شده مرکز تعامل، آموزش و آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان است (مهرابی زاده، حسین پور و مهدی زاده، ۱۳۸۹). این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد تا مسئولیت‌های نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون آسیب رساندن به خود و دیگران، به‌ویژه در روابط بین فردی، بطور مؤثر با خواسته‌ها، انتظارات و مسائل روزمره روبرو شود. بر اساس بیانیه سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۷)، مهارت‌های زندگی شامل مهارت‌های خودآگاهی، توانایی حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، روابط بین فردی، قدرت تصمیم‌گیری، مقابله با بحران و فشار، احساس همدلی با دیگران و... ارتباط موثر که باعث بهبود کیفیت زندگی افراد می‌شود. بطور کلی مهارت‌های زندگی سازگاری فرد را با محیط و چالش‌های آن افزایش می‌دهد و باعث می‌شود که فرد با محیط خانوادگی، کاری، آموزشی و اجتماعی به نحوی کارآمد و موثر برخورد کند. کسب مهارت‌های زندگی توسط

والدین باعث ارتقای توانایی‌های روانی-اجتماعی آن‌ها می‌شود تا بتوانند روابط اجتماعی بهتر و مؤثرتری برقرار کنند، بسیاری از مشکلات زندگی مشترک خود را حل کنند و سپس بطور کلی با زندگی سازگار شوند و از آن راضی باشند (ظفری، ۱۳۸۸).

عملکرد خانواده جنبه مهمی از محیط خانواده است که بر سلامت جسمی، اجتماعی و عاطفی کودکان تأثیر می‌گذارد. در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و نحوه عملکرد آن می‌تواند عاملی کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آتی مربوط به حوادث ناگوار و شرایط نامناسب باشد. محیط‌های خانوادگی کارآمد کودکان را قادر به یادگیری و پیشرفت می‌کند، در حالی که محیط‌های خانوادگی ناکارآمد می‌تواند برای بسیاری از جنبه‌های رشد کودکان و انتقال مثبت آنها به بزرگسالی بسیار مضر باشد. در رویکرد سیستمی، عملکرد خانواده بعنوان پدیده‌ای رو به رشد در نظر گرفته می‌شود که به ساختار رشدی و اجتماعی خانواده بستگی دارد. بر اساس این رویکرد، کارکرد خانواده مستلزم ادغام و حفظ موجودیت خانواده و توانایی آن در انجام وظایف اساسی برای رشد و سعادت اعضای خانواده است (اصلانی، ۱۳۸۸). خانواده ارزش‌های خود را توسعه می‌دهد و انتظاراتی را در مورد نقش‌ها و قواعد رابطه‌ای ارائه می‌دهد. رویکرد سیستمی خانواده را سیستمی با تعاملات پیوسته بین زیرسیستم‌های فردی و در عین حال زیرمجموعه‌ای در محیط خود می‌داند. مدل مک مستر یک مدل سیستمی از عملکرد خانواده است که ویژگی‌های ساختاری و سازمانی گروه خانواده و الگوهای تبادل مهم بین اعضای خانواده را تعیین می‌کند. در این مدل خانواده از نظر کارکردی به عنوان سیستمی در نظر گرفته می‌شود که نقش مهمی در رشد زیستی، روانی، اجتماعی و حفاظت و نگهداری اعضای آن ایفا می‌کند. بر اساس این مدل، ابعاد مهم عملکرد خانواده عبارتند از: حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، همدلی (عمل عاطفی)، یکپارچگی عاطفی و کنترل رفتار (یاراحمدیان، ۱۳۸۸). بعد حل مسئله شامل توانایی خانواده در حل مشکلات خانوادگی است. مطابق الگوی مک مستر مسائل خانواده به دو دسته ابزاری (مدیریت اقتصادی، تهیه غذا، پوشاک و امثال آن) و عاطفی (موضوعات هیجانی و احساسی مانند: عصبانیت، افسردگی و...) تقسیم می‌شوند و افراد خانواده باید به شیوه‌ای مسائل را حل کنند که عملکرد خانواده در سطحی مؤثر باقی بماند؛ بعد ارتباط به توانایی خانواده در تبادل اطلاعات و میزان وضوح و صراحت اطلاعات مبادله شده در خانواده مربوط می‌شود؛ بعد نقش‌ها به الگوی تکراری رفتار افراد خانواده اشاره دارد؛ الگوهایی که اعضای خانواده بوسیله آنها کارکردهای خانواده را محقق می‌سازند. این بعد کارآمدی خانواده را بر اساس تخصیص وظایف و تکالیف به اعضای خانواده و کامل کردن تکالیف از سوی آنها توصیف می‌کند؛ بعد همدلی (کنش عاطفی) به توانمندی اعضای خانواده در واکنش به موقعیت‌های هیجانی مثبت و منفی گفته می‌شود؛ بعد آمیختگی عاطفی درجه‌ای از اهمیت و ارزشی است که خانواده برای فعالیت‌ها و علایق اعضایش قائل می‌شود (محسنی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر این بعد به میزان و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم مربوط است و روی این نکته متمرکز است که افراد چگونه و از چه راهی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ بعد کنترل رفتار نیز به میزان و تأثیر نفوذ اعضای خانواده بر یکدیگر گفته می‌شود که بقا و سازگاری خانواده را تضمین می‌کند. بطور کلی مدل مک مستر با کارکرد فعلی خانواده سر و کار دارد نه با رشد قبلی یا مرحله تحولی گذشته آن. همچنین در این مدل به مهارت‌های از عهده برآیی خانواده که منجر به تکامل و ابقای آن می‌گردد، توجه خاص شده است. با توجه به اینکه روابط و کارکرد مناسب خانوادگی برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است و با در نظر گرفتن روابط والد-فرزندی و شناخت آن به منزله یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روابطی که افراد می‌توانند تجربه کنند و نیز عاملی مؤثر و مداخله‌گر در کیفیت عملکردهای تحصیلی فرزندان به

شمار می‌رود (میلر، اپستین، بیشاپ و کیتنر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸۵). مقاله حاضر به منظور بررسی رابطه میزان مهارت‌های زندگی مادران با عملکرد تحصیلی و کارکرد خانواده در فرزندان پسر بین ۱۲ تا ۱۸ سال شهر تهران انجام شده است.

### روش پژوهش:

روش تحقیق در این پژوهش، پس‌رویدادی (علی - مقایسه‌ای) و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پسر شاغل به تحصیل در دوره‌های اول و دوم متوسطه مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و والدین آنها می‌باشند. از جامعه آماری مذکور، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای منطقه ۸ آموزش و پرورش، و از پنج ناحیه واقع در آن نواحی ۱ و ۴ و از این دو ناحیه ۴ مدرسه دولتی پسرانه و از این مدارس ۶ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. نمونه پیش‌بینی شده ۲۸۰ نفر بودند که به دلیل افت، نمونه نهایی به ۲۴۰ نفر (۱۲۰ دانش‌آموز پسر و ۱۲۰ مادر) کاهش یافت. انتخاب دانش‌آموزان پسر به دلیل ارتباط عاطفی قوی‌تر پسر و مادر نسبت به دختر و مادر بوده است. به منظور اجرای آزمون، ابتدا در یکی از ساعت‌های مناسب آموزشی در هر مدرسه درباره هدف پژوهش توضیحاتی به دانش‌آموزان داده شد، سپس دانش‌آموزان به پرسشنامه کارکرد خانواده در مدت زمان ۳۰ دقیقه پاسخ دادند. به سبب عدم همکاری مسئولان مدارس جهت اجرای پرسشنامه مهارت‌های زندگی والدین در مدرسه، این آزمون جداگانه و همراه با توضیحات کامل به والدین دانش‌آموزان ارائه شد و پس از مهلت سه روزه از آنها تحویل گرفته شد. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از: الف) پرسشنامه مهارت‌های زندگی: پرسشنامه مهارت‌های زندگی را معصومی در سال ۱۳۸۵ ساخته است. معصومی برای تهیه این پرسشنامه، مؤلفه‌های آن را از نظر یونیسف، یونسکو و سازمان جهانی بهداشت بررسی کرده است و مؤلفه‌های خودآگاهی، همدلی، برقراری ارتباط مؤثر، برقراری روابط میان فردی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مقابله با هیجان-ها و مقابله با فشار روانی را از شاخص‌های اصلی پرسشنامه مهارت‌های زندگی در نظر گرفته است. این پرسشنامه از ۵۳ سؤال بسته - پاسخ تشکیل شده است که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره پنج (خیلی زیاد) تا نمره یک (خیلی کم) تنظیم شده است. پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شده است. روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهشی به روش بازآزمایی، ضریب پایایی این پرسشنامه ۰/۶۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ از نمره مادران ۰/۵۳ محاسبه شد. ب) پرسشنامه سنجش خانواده: ابزار سنجش خانواده دارای ۷ ماده و ۶۰ سؤال است و برای سنجیدن کارکرد خانواده بنابر الگوی مک مستر تدوین شده است. این ابزار را اپستین، بالدوین و بیشاپ در سال ۱۹۸۳ با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه کرده‌اند. مدل مک مستر در نتیجه تحقیقات اپستین و همکارانش (۱۹۸۳) بر آن دسته از ابعاد کارکرد خانواده متمرکز شده است که بیشترین تأثیر را بر سلامت جسمی و عاطفی اعضای خانواده نشان می‌دهد که دارای ابعاد وظایف اساسی، وظایف رشدی، و وظایف غیرمترقبه است. طراحان از طریق این ابعاد برای حوزه‌های عمده کارکرد خانواده شش بعد را در نظر گرفته‌اند که روی یک پیوستار مؤثر تا غیرمؤثر اندازه‌گیری می‌شوند. این ابعاد عبارت‌اند از: حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار. علاوه بر این، یک بعد عمومی برای سنجش کارکرد کلی خانواده نیز به آن افزوده شده است. این ابزار متشکل از عباراتی است که خانواده آزمودنی را توصیف می‌کند و آزمودنی با خواندن هر عبارت میزان هماهنگی ویژگی‌های توصیف شده را با خانواده خود روی مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت به صورت «کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم» مشخص می‌نماید.

<sup>1</sup> Miller, I. W., Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Keitner, G. I.

ابزار سنجش خانواده را پس از اینکه اپستین و همکاران در سال ۱۹۸۳ تهیه کردند روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای زیر مجموعه‌ها بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ است که نشان می‌دهد این پرسشنامه از همسانی درونی بالایی برخوردار است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده از پاسخگویی فرزندان به پرسشنامه کارکرد خانواده ۰/۸۲ محاسبه شده است. روایی پرسشنامه با بهره‌گیری از نظرات درمانگران با تجربه در زمینه خانواده‌های با کارکرد سالم و کارکرد ناسالم بررسی شده است. نتایج نشان داده اند که این پرسشنامه توانایی تفکیک خانواده‌های با کارکرد سالم و ناسالم را دارد. همچنین همخوانی نمره‌های این پرسشنامه با نمره‌های حاصل از سایر ابزارهایی که کارکرد خانواده را می‌سنجند بالا گزارش شده است. ( ج ) عملکرد تحصیلی: نمره عملکرد تحصیلی در این پژوهش، میانگین نمره‌های درسی دانش‌آموزان در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است.

### یافته‌های پژوهش:

از آنجا که این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است، به منظور تعیین رابطه متغیرها آزمون همبستگی پیرسون و برای پیش‌بینی تغییرات آنها معادله رگرسیون به کار گرفته شده است. نخست نتایج آزمون t برای مقایسه تفاوت مهارت‌های زندگی مادران شاغل و خانه‌دار دانش‌آموزان بررسی شده که نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است. سپس، آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش با یکدیگر انجام گرفته که برآورد آن در جدول (۲) ارائه شده است.

#### جدول (۱): نتایج آزمون t برای مقایسه مهارت‌های زندگی والدین دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
مهارت‌های زندگی مادران شاغل	190/92	28/71	-0/42	119	0/85
مهارت‌های زندگی مادران خانه‌دار	191/21	19/66			

بر اساس نتایج جدول (۱)، میان مادران شاغل و خانه‌دار از نظر برخورداری از مهارت‌های زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

#### جدول (۲): برآورد همبستگی متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرها	
0/000	0/702	نمره فرزند به پرسشنامه کارکرد خانواده	نمره مادر از پرسشنامه مهارت‌های زندگی
0/000	0/644	میانگین نمرات درسی دانش‌آموزان	نمره مادر از پرسشنامه مهارت‌های زندگی

بر اساس نتایج جدول (۲)، بین میزان برخورداری والدین از مهارت‌های زندگی با کارکرد خانواده همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. علاوه بر این، همانطور که در جدول (۲)، نشان داده شده است بین میانگین نمرات درسی دانش‌آموزان و نمره مهارت‌های زندگی مادران آنان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. در ادامه، رابطه مهارت‌های زندگی مادران به منزله متغیر پیش بین با کارکرد خانواده و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به منزله متغیرهای ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شده است که نتایج آماری آن در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳): نتایج رگرسیون پیش بینی کننده عملکرد خانواده و عملکرد تحصیلی آزمودنی‌ها

متغیر وابسته	متغیر پیش بینی کننده	R <sup>2</sup>	B	SEB	$\beta$	T	سطح معناداری
نمره کارکرد خانواده دانش‌آموز	نمره مهارت‌های زندگی مادر	۰/۴۹	۰/۲۸	۰/۰۶	۰/۳۸	۴/۵	۰/۰۰۰
میانگین نمرات درسی دانش‌آموزان	نمره مهارت‌های زندگی مادر	۰/۴۱	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۲۴	۲/۶۷	۰/۰۰۰

چنانچه در جدول (۳)، مشاهده می‌شود، ضریب رگرسیون متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که مهارت‌های زندگی مادران می‌تواند کارکرد خانواده و عملکرد تحصیلی فرزندان را به گونه‌ای معنادار تبیین کند. ضریب تأثیر مهارت‌های زندگی مادران با توجه به آماره t نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹ درصد می‌تواند تغییرات مربوط به کارکرد خانوادگی در فرزندان پسر را پیش‌بینی کند. در زمینه عملکرد تحصیلی، ضریب تأثیر مهارت‌های زندگی مادر با توجه به آماره t نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹ درصد می‌تواند تغییرات مربوط به عملکرد تحصیلی فرزند پسر او را پیش‌بینی کند. با در نظر گرفتن شیوه نمره‌گذاری معکوس مقیاس کارکرد خانواده، نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده کارکرد ناسالم خانواده و نمرات کمتر نشان‌دهنده کارکرد سالم‌تر خانواده است. می‌توان گفت که هر چه مادر از مهارت‌های زندگی بالاتر برخوردار باشند تنش و رفتارهای ناسالم در خانواده کمتر است و به تبع آن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز بهبود می‌یابد. در نهایت، همبستگی مهارت‌های زندگی مادران با شاخص‌های کارکرد خانواده بررسی شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون همبستگی نمره مهارت‌های زندگی مادران با شاخص‌های کارکرد خانواده

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مهارت‌های زندگی مادر	حل مساله مادر	۰/۷۰۲
	ارتباط مادر	۰/۶۴۴
	نقش مادر	۰/۶۹۹
	واکنش عاطفی مادر	۰/۶۰۵
	آمیختگی عاطفی	۰/۷۱۱

		مادر	
۰/۰۰۰	۰/۶۰۰	کنترل رفتار مادر	
۰/۰۰۰	۰/۵۸۷	عملکرد کلی مادر	

چنانچه در جدول (۴) مشاهده می‌شود، میان برخورداری مادر از مهارت‌های زندگی و کارکرد خانواده و خرده مقیاس‌های آن همبستگی منفی معنادار وجود دارد. بنابراین و با توجه به شیوه نمره گذاری معکوس مقیاس کارکرد خانواده، افزایش مهارت‌های زندگی در مادران سبب کاهش مسائل خانوادگی می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری:

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه میزان مهارت‌های زندگی مادران با عملکرد تحصیلی و کارکرد خانواده در فرزندان پسر بین ۱۲ تا ۱۸ سال بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهارت‌های زندگی مادران با کارکرد خانواده و خرده مقیاس‌های آن (حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار) همبستگی معنادار دارند. این یافته‌ها، همچنین نشان می‌دهند که مهارت‌های زندگی مادران می‌توانند تغییرات مربوط به کارکرد خانواده را پیش‌بینی کنند. در مورد عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر نیز، چنین نتیجه‌گیری شد که؛ میان میانگین نمرات درسی دانش‌آموزان و نمره مهارت‌های زندگی مادران ارتباط معنادار وجود دارد.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو است. محمدی و همکاران (۲۰۱۱)، صادقی و همکاران (۱۳۹۰)، مهرابی-زاده، حسین پور و مهدی‌زاده (۱۳۸۹)، جلالی و جلالوند (۱۳۸۴) و نجات (۱۳۸۶) در بررسی‌های خود به این نتیجه دست یافته‌اند که با افزایش مهارت‌های زندگی والدین کارکرد خانواده نیز بهبود می‌یابد. نتایج پژوهش شماعتی‌زاده و احمدی (۱۳۸۷) نیز نشان داده است که آموزش منظم به والدین بر روابط متقابل و خرده مقیاس‌های روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت داشته است. نتایج پژوهش گیلبرت و اورلیک (۱۹۹۶) هم نشان داده است که مهارت‌های زندگی سبب بهبود مهارت‌های اجتماعی، افزایش سازگاری در خانواده، رضایت از سیستم خانوادگی و افزایش مهارت‌های مقابله‌ای شده است. از سویی، محیط خانواده نخستین محیطی است که توانمندی‌های جسمی، عاطفی و شخصیتی فرد در آن پی‌ریزی می‌شود و نقشی مهم در تعالی و پیشرفت فرد دارد. مطابق نظر سازمان جهانی بهداشت، کسب دانش در زمینه مهارت‌های زندگی و تمرین آنها، افراد را قادر می‌سازد تا ارزش‌ها، نگرش‌ها و دانسته‌های خود را به توانمندی‌ها تبدیل کنند و این توانمندی‌ها است که علاوه بر ترغیب افراد به داشتن انگیزه مثبت و رفتار سالم، بر ادراک آنها از کفایت خود و اعتماد به نفسشان اثر گذاشته و موجب ارتقای سطح سلامت روان و پیش‌گیری از مشکلات بهداشتی می‌شود (محمدی، عدالت‌زاده، کیانی و ستارزاده، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده است که تجارب خانوادگی، فضای فرهنگی و تربیتی خانه و معیارها و ارزش‌هایی که پدران و مادران در خانه برقرار می‌کنند تأثیری ژرف بر ارتقای توانمندی‌های فرزندان در طول دوره نوجوانی و بعد از آن دارد و ارتباط‌های خانوادگی سایر جنبه‌های زندگی نوجوان مانند موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، مسائل و مشکلات خانواده می‌تواند به شکست در تحصیل و تعلیم و تربیت منجر شود. یافته‌های پژوهش زاده محمدی و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان با جو خانوادگی ناکارآمد از نظر عملکرد تحصیلی وضعیت بدی دارند. علاوه بر این، محسنی (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان داده است که از نظر دانش‌آموزان خانواده مهم‌ترین عاملی است که

در پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است بطوری که در حدود ۶۵ درصد از دختران و ۷۰ درصد از پسران افت تحصیلی خود را ناشی از عوامل مربوط به خانواده خود می‌دانستند. به گفته نازک تبار (۱۳۸۳؛ به نقل از رضازاده، ۱۳۸۶) "میزان موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به اهداف آموزش از قبل تعیین شده را می‌توان به منزله پیشرفت تحصیلی تعریف کرد که نمی‌توان این مسئله را بدون توجه به کارکرد خانواده مورد بررسی قرار داد و جهت افزایش و بهبود کیفیت و کمیت آن برنامه‌ریزی کرد" (احمدی قوزلوجه، ۱۳۸۹).

بنابر آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن روابط والد-فرزندی و شناخت آن به منزله یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین روابطی که افراد می‌توانند تجربه کنند و نیز به منزله عاملی مؤثر و مداخله‌گر در کیفیت عملکردهای تحصیلی فرزندان، والدین می‌توانند با کسب دانش در زمینه مهارت‌های زندگی و انتقال آن به فرزندان خود، ضمن تأثیر مثبت در رشد و شخصیت آنان، کارکرد خانواده و عملکرد تحصیلی فرزندان را بهبود بخشند. در ادامه بحث در مورد یافته‌های پژوهش، نتایج بررسی رابطه مهارت‌های زندگی والدین با ابعاد شش‌گانه کارکرد خانواده شامل حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، و کنترل رفتار نشان می‌دهد که میان تمام این ابعاد و نمره مهارت‌های زندگی مادران همبستگی معنادار وجود دارد. در مورد پدران نیز غیر از دو مؤلفه ارتباط و کنترل رفتار، در بقیه ابعاد همبستگی معنادار به دست آمده است (سیلیورن، زابریک، مایو، شفر، گریفین، میترو و پیرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو است. در زمینه بعد حل مسئله، نتایج پژوهش شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۸۷) حاکی از آن است که آموزش روش حل مسئله در شکل‌گیری رفتارهای مناسب در فرزندان، بهبود تعامل والد و فرزند، و در نهایت بهبود کارکرد خانواده مؤثر است. احمدی قوزلوجه (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که میان تنیدگی والدینی با کارکرد خانواده رابطه معنادار منفی وجود دارد و میان راهبردهای متمرکز بر حل مسئله و ارزیابی شناختی با کارکرد خانواده رابطه معنادار مثبت وجود دارد. پیترسون و گرین (۱۹۹۹) معتقدند که حل مسئله، توانایی خانواده برای حل کردن مسائل در یک سطح مشخص است که منجر به حفظ کارکرد مؤثر خانواده می‌شود. در واقع، خانواده‌های بهنجار در مقایسه با خانواده‌های نابهنجار در برابر مشکلات از مهارت‌های حل مسئله به شیوه‌ای کارآمدتر استفاده می‌کنند و بهتر از دیگران قادر به حل مشکلاتشان هستند. در زمینه بعد ارتباط، نتایج تحقیقات گوناگون در مورد خانواده نشان داده است که اعضای خانواده به منزله یک گروه، تعاملات پیچیده‌ای با یکدیگر دارند که متأثر از محیط کلی خانواده است. پژوهشگران بر این عقیده هستند که بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی و دقت قرار داد، همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده است (واکر و شفر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). اصلانی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان نقش مهارت‌های ارتباطی بر کارکرد خانوادگی دانشجویان متأهل دانشگاه تهران به این نتیجه رسیده که آموزش مهارت‌های ارتباطی سبب بالا رفتن کارکرد خانواده در مقوله‌های حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار، و عملکرد کلی خانواده شده است. دنی (۱۹۹۰) در پژوهشی بیان می‌کند که نوجوانان مشکلات ارتباطی را منبع اصلی تعارض در خانواده‌های خود می‌دانند. وی اظهار می‌دارد که میزان فرار و بزهکاری در خانواده‌های نابسامان و متعارض که از لحاظ مهارت‌های ارتباطی دارای ضعف‌های بالایی هستند و در آن والدین و فرزندان توانایی برقراری ارتباط صحیح و مناسب را با یکدیگر ندارند، بیشتر است. در پژوهشی دیگر، اصلانی و ثنایی (۱۳۸۹؛ به نقل از قمری، ۱۳۹۰) بیان کردند که فرآیندها و الگوهای ارتباطی معیوب اغلب عامل اساسی عملکرد ناسالم خانواده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای مهارت‌های ارتباطی سبب بالا رفتن کارایی خانواده در مقوله‌های حل مسئله،

<sup>2</sup> Silburn, S., Zubrick, S.R., De Maio, J.A., Shepherd, C., Griffin, J.A., & Mitrou, F.G., ... & Pearson, G.

<sup>3</sup> Walker, R., & Shepherd, C.



ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار، و بهبود عملکرد کلی خانواده شده است. رایس (۱۹۹۴) درباره ارتباط در خانواده‌های کارآمد چنین اظهار داشته است: در یک خانواده کارآمد، اعضای خانواده افکار و احساسات خود را با یکدیگر به شیوه‌های ظریف در میان می‌گذارند. آنها علایق و نگرانی‌های خود را بیان می‌کنند و درباره مسائل مهم با یکدیگر به گفتگو می‌پردازند. هر یک از آنها می‌تواند درباره خود و زندگی خود با دیگر اعضای خانواده صحبت کند و می‌داند که دیگران هم به او گوش می‌دهند و هم او را درک می‌کنند. در زمینه ابعاد نقش، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، و کنترل رفتار نیز نتایج پژوهش‌های قبلی با نتیجه این پژوهش همسو است. نتایج پژوهش‌هایی که به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر مهارت‌های ارتباطی زوجین پرداخته‌اند حاکی از افزایش رضایت زناشویی زوجین و بالا رفتن کارکرد خانواده در مقوله‌های ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، و کنترل رفتار بوده‌اند (پترسون و گرین، ۱۹۹۹). مجد (۱۳۸۲) در پژوهشی به این نتیجه رسید که در زمینه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده دختران فراری ضعف و مشکلات زیادی وجود دارد. در خانواده این دختران نقش‌های خانوادگی چندان مشخصی وجود ندارد و امکان دارد که شخص، نقش دیگری به غیر از نقش اصلی خود را به دلیل مبهم بودن نقش‌های خانوادگی به عهده بگیرد. علاوه بر این، خانواده‌های دختران فراری در زمینه آمیختگی عاطفی و میزان همدلی ضعیف هستند و در بیان مشکلات و مسائل عاطفی خود با اعضای خانواده راحت نیستند. ارزیابی و مقایسه کارکرد خانواده، میان زوجین راضی از زندگی زناشویی و زوجین ناراضی از زندگی و در حال طلاق نیز نشان می‌دهد که عدم آشنایی هر یک از زوجین با مهارت برقراری ارتباط مؤثر، ابراز عواطف، حل مسائل مربوط به خود و پذیرش نقش‌های خانوادگی در سوق دادن زوجین به طلاق نقش چشم‌گیری دارند. در زمینه کارکرد کلی خانواده نیز نتایج پژوهش‌های قبلی نتیجه این پژوهش را تبیین می‌کنند (اپستین، بالوین و بیشاپ، ۱۹۸۲). چنانچه رضازاده (۱۳۸۶) در پژوهشی که به هدف مقایسه کارکرد خانواده نوجوانان عادی و بزهدار از نظر ابعاد حل مسئله، میزان ارتباط اعضا با یکدیگر، تفاهم در مورد نقش‌ها، کنش عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار، و کارکرد کلی انجام داده، مشخص کرده که میان خانواده نوجوانان عادی و بزهدار در ابعاد ارتباط، نقش‌ها، کنش عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی تفاوت معنادار وجود دارد. مسلام (۱۹۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه والد-نوجوان، کارکرد خانواده و موفقیت تحصیلی، به ارزیابی کارکرد خانواده از دید نوجوانان والدین ایشان و رابطه این کارکرد با موفقیت تحصیلی نوجوانان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که هر چه کارکرد خانواده بهتر باشد، نوجوانان مشکلات کمتری دارند و از موفقیت تحصیلی بالاتر برخوردار هستند. همچنین در این تحقیق به بررسی کارکرد ایده‌آل خانواده و کارکرد جاری آن از دید نوجوانان پرداخته شده که یافته‌ها بیانگر این است که هر چه اختلاف میان کارکرد جاری و کارکرد ایده‌آل خانواده کمتر باشد، موفقیت تحصیلی نوجوانان نیز بیشتر است. نتیجه اینکه به استناد پژوهش‌های انجام شده و یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت کسب مهارت‌های زندگی از سوی والدین بر کارکرد سالم‌تر خانواده تأثیر مستقیم و بسزایی دارد و سبب می‌شود که آنان به گونه‌ای کارآمد و مؤثر با محیط خانوادگی، شغلی، تحصیلی و اجتماعی برخورد کنند. علاوه بر این، هر چه خانواده دارای کارکرد مناسب‌تر و سالم‌تر باشد به همان نسبت سازگاری فردی و اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بهبود می‌یابد و از بوجود آمدن یا توسعه مشکلات روانی، اجتماعی و رفتاری در میان دانش‌آموزان پیش‌گیری می‌کند.

#### محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش:

<sup>4</sup> Peterson, R., & Green, S.

<sup>5</sup> Epstein, N.B., Baldwin, L.M., & Bishop, D.S.

به دلیل محدودیت‌های زمانی و اجرایی، در این پژوهش کارکرد خانواده صرفاً از دیدگاه یکی از اعضای آن (دانش‌آموزان) مورد سنجش قرار گرفته است. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مشابه، کارکرد خانواده از دیدگاه همه اعضای خانواده مورد سنجش قرار گیرد و از جمع‌بندی آن‌ها نمره کلی کارکرد خانواده برآورد شود. حدودیت جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌های پژوهش مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. پژوهش بیشتر در این زمینه و تکرار نتایج با یک نمونه ناهمگن بزرگتر (شامل پسران و دختران) پیشنهاد می‌شود.

## منابع و ماخذ:

۱. احمدی قوزلوجه، احمد. (۱۳۸۹). بررسی روابط تنیدگی والدین، راهبردهای مقابله ای و کارکرد خانواده در والدین دانش آموزان پس عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در شهرستان اسلام شهر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. اصلانی، خالد. (۱۳۸۸). نقش مهارت‌های ارتباطی بر کارایی خانوادگی دانشجویان متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
۳. زهراکار، کیانوش؛ جعفری، فروغ. (۱۳۸۹). مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرآیند و نظریه ها). تهران: انتشارات ارسباران، چاپ اول.
۴. صادقی، اکبر؛ شهیدی، شهریار؛ خوشابی، کتایون. (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش مدیریت والدین بر کارکرد خانواده کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه / بیش فعالی. فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۷۵-۱۸۵.
۵. ظفری، شقایق. (۱۳۸۸). بررسی رابطه میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی و عزت نفس با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر کرج. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س).
۶. قمری، محمد. (۱۳۹۰). مقایسه ابعاد عملکرد خانواده و کیفیت زندگی و رابطه این متغیرها در بین افراد معتاد و غیر معتاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال پنجم، شماره هیجدهم، ۵۵-۶۸.
۷. محسنی، اکرم. (۱۳۸۹). آموزش مهارت‌های زندگی نیاز امروز جامعه بشری. نشریه اطلاعات، ۸/۴/۱۳۸۹.
۸. مظاهری، علی؛ صادقی، منصوره سادات و حیدری، محمود. (۱۳۹۰). بررسی رابطه رفتارهای متفاوت ارتباطی نظارتی والدین در وضعیت های مختلف تحصیلی و اجتماعی فرزندان دانشجو. فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۳۵-۵۴.
۹. مهربانی زاده، مهناز؛ حسین پور، محمد و مهدی زاده، لیلیا. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش سازگاری زناشویی زنان متأهل. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره دوم، شماره اول، ۱۲۵-۱۳۹.
۱۰. یاراحمدیان، نسرین. (۱۳۸۸). طراحی و آزمایش یک برنامه آموزش مهارت‌های زندگی جهت افزایش کفایت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س).

11. Epstein, N. B. , Baldwin, L. M. , & Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9(2), 171-180.
12. Miller, I. W. , Epstein, N. B. , Bishop, D. S. , & Keitner, G. I. (1985). The McMaster Family Assessment Device: Reliability and validity. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11(4), 345-356.
13. Mohammadi, A. , Adalatzadeh Aghdam, G. , Kiyani, R. , & Sattarzadeh, L. (2011). Investigating effect of life skills training on family functioning of epileptic people's in Tabriz. *Journal of Procedia Social and Behavioral Sciences*, 30, 2316 – 2318.
14. Peterson, R. , & Green, S. (1999). Families' first-keys to successful family functioning: Problem solving [on-line].
15. Silburn, S. , Zubrick, S. R. , De Maio, J. A. , Shepherd, C. , Griffin, J. A. , & Mitrou, F. G. , ... & Pearson, G. (2006). *The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the capacity of aboriginal children, families and communities*. Perth: Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research.
16. Walker, R. , & Shepherd, C. (2006). Strengthening aboriginal family functioning: What works and why? Kulunga Research Network, Telethon Institute for Child Health Research, Australian Family Relationships Clearing House briefing No. 7. Melbourne, Australian Institute of Family Studies.
17. World Health Organization (1997). *Program on mental health: Life skills education for children and adolescents in school*. Geneva: Author.